



ابراهیم گلستان / نویسنده و فیلمساز

## صاحب آن صدای ستایش شده شجریان بود

من ترکیب نیم قرن است که در ایران هستم. در سال هجری ۱۳۳۸ در آن برادری داشتم. ایرج، که امروز دیگر رفته است، رفتی که در لایب رشتای خود، دیار ستیز داشت که تازه بهترین آرمه و صدای فن الهی داشت. در آن سال ها من که به عنوان جوان در تهران بودم که به تهران آمدم بود و صدای فوق العاده ای داشت که من در آن سال ها نشد که بشنوم چون در ایران نمانده بودم که بشنوم. صاحب آن صدای ستیز منم که در همین یکی دو سال آن را شنیدم و بخصوص در رعایتی که او به دنبال کردن اصول آوازهای ایرانی نشان می داد به حدهای زیاد بهره می بردم و توانایی اجرای او را در حدی که در توانم بود پیش خود می ستودم. جز این چیزی برای گفتن نمی بینم، تنها امید ادامه این عرضه داشتن توان فراوان او را دارم و تداوم تندرستی او را.

ما ابراهیم گلستان

۲

من نزدیک نیم قرن است که در ایران نیستم. در سال ها پیش از آن برادری داشتم، ایرج، که امروز دیگر رفته است اما وقتی که بود از یک آشنای خود زیاد ستایش داشت که تازه به تهران آمده بود و صدای فوق العاده ای داشت که من در آن سال ها نشد که بشنوم چون در ایران نمانده بودم که بشنوم. صاحب آن صدای ستایش شده بعدها به نام خودش که شجریان بود شهرت یافت، که من در همین یکی دو سال آن را شنیدم و بخصوص در رعایتی که او به دنبال کردن اصول آوازهای ایرانی نشان می داد به حدهای زیاد بهره می بردم و توانایی اجرای او را در حدی که در توانم بود پیش خود می ستودم. جز این چیزی برای گفتن نمی بینم، تنها امید ادامه این عرضه داشتن توان فراوان او را دارم و تداوم تندرستی او را.

۳

## کاش باغش تنها نماند

برای درخت های انگور محمدرضا شجریان در باغ هشتگرد

سعید فرجپوری / نوازنده

محمدرضا شجریان گنجینه گران قدری است که می توان از او به عنوان سمبل و نماد موسیقی ایران در قرن اخیر یاد کرد. همه ما می دانیم که دوستدارانش در وصف او بسیار گفته اند و حتی به نکته های برجسته ای هم اشاره کرده اند اما شخصیت محمدرضا شجریان آن چنان بزرگ می نماید که نه تنها دوستداران هنر و شخصیت او، که حتی دیگرانی که به این نوع هنر نیز تمایلی ندارند نمی توانند او را نادیده بگیرند. شهرت و محبوبیت شجریان گاه از آثار هنری اش فراتر می رود، چنانچه می توان دل بسته آواز و موسیقی سنتی نبود اما نمی توان محمدرضا شجریان را نادیده گرفت یا محترم نشمر دگویی که سر نوشت و شخصیت او با چند دهه گذشته آن چنان گره خورده که باید درست به جایش آورد.

شاگردی نزد استادان بزرگی چون عبادی، مهرتاش، پایور، دوامی و برومند نشان از تلاش بی وقفه او در امر یادگیری موسیقی بوده است. شجریان مدت ها به منزل دوامی برای یادگیری تصانیف قدیمی رفت و آمد می کرد و گاهی هر روز هفته را با او می گذراند. استاد شجریان همچنین بسیاری از گوشه ها را نزد آقای برومند آموخت. تلاش مستمر و کار با استادان مختلف چه آنجا که در قید حیات بودند و چه فراگیری از آثار به جا مانده و ضبط شده، جست و جو در آثار طاهرزاده و ظلی و قمر، دنبال کردن تقلید صدا و لحن های مختلف و فراگیری از آنها در نهایت منجر به پیدایش صدای صیق یافته، توانا و زیبایی شد که تشخیص خود صاحب صدا را یافت. صدای منحصر به فرد محمدرضا شجریان و تسلط، علاقه و شناخت او نسبت به شعر و ادبیات فارسی و حساسیت او به ادای درست کلمات و سپس به لطافت و زیبایی در

قالب آواز به بیان در آوردن، از خصوصیات بارزش به شمار می رود. به تجربه دیده ام که بسیاری از جوانان از شنیدن این همه لطافت و زیبایی در کلمات و در آواز به دنبال مفهوم شعر و شناخت شاعران رفته اند. در حقیقت ایجاد پلی بین شعر و موسیقی که شنونده را پس از شنیدن به دنبال شعر بفرستد و برعکس. همه اینها از خواص موسیقی آوازی و ادبیات غنی فارسی است که در آثار استاد شجریان به زیباترین صورت تجلی پیدا کرده است. بواسطه آثار هنری برجسته ای که از او در دهه های گذشته به یادگار مانده و حقیقتا بدرستی نزد طرفداران موسیقی اصیل محبوبیت یافته و نیز بواسطه شخصیت اش، حتی در سال های بعد از انقلاب و با وجود مشکلات فراوانی که بر همه هنرمندان موسیقی تحمیل شد، درصد محبوبیت شجریان نزد مردم همچنان روبه فزونی است. همراهی و همگامی با مردم، چه در خلق آثاری که در آن زمان در گروه «چاووش» خلق شده بود چه در واکنش های او به مسائل اجتماعی روز به روز به این شهرت و مطلوبیت افزوده است. البته می خواهم به این موضوع هم اشاره کنم که شجریان هیچ تمایلی به سیاست نداشت و ندارد و اگر واکنش های اجتماعی از او دیده شد تنها در همراهی مردم و دفاع از مردم بوده است. او معتقد به انسانیت است و موسیقی ای که به آن وفادار مانده موسیقی ای است که برای «مردم» ساخته و پرداخته می شود.

محمدرضا شجریان جنبه های هنری بسیاری دارد از جمله هنرهای ایشان خطاطی است که در این هنر نیز ممتاز شمرده می شوند. همچنین علاقه فراوانی به باغداری، پرورش گل و گیاه و درخت انگور دارد. او در باغی که در هشتگرد دارد زحمات بسیاری کشیده است تا انگورها به بار و درختان به گل بنشینند و من امیدوارم

که باغشان هیچگاه تنها نماند و استاد شجریان همچنان بتوانند در باغشان به پرورش گل و گیاه بپردازند. استاد شجریان در نوازندگی سنتور هم مهارت خاصی دارد اما به دلیل تمرکز بر آواز هرگز به صورت جدی از این مهارت شان استفاده نکرد از دیگر هنرهای ایشان ساخت سازهای مختلفی است که در آخرین دوره های کاری ایشان از این سازها در گروه «شهناز» استفاده شده است. در خاتمه می توانم بگویم نه تنها من بلکه بسیاری از مردمی که دغدغه فرهنگ و هویت ملی ایران را دارند، آقای شجریان را به عنوان یک سرمایه فرهنگی و ملی می شناسند که حمایت و ارج نهادن به این سرمایه می تواند وظیفه هر ایرانی باشد. متأسفانه ما در سال های اخیر رفتاری را که در خور ایشان باشد از طرف نهادهای فرهنگی و سیاسی ندیده ایم. اما بد نیست بدانیم که هنر در ذات آفرینش انسان ها نهفته است و موسیقی همچنان امری است درونی که با هر بند و بستی بالاخره راه ورود به گوش و جان شنونده خود را می یابد... در همین سال ها با وجود بی توجهی و کم لطفی نهادهای تصمیم گیرنده، مردم عزیز و هواداران اش به دفعات از ابزار علاقه و یادآوری نام بزرگ او کوتاهی نکردند.

سلامتی روز افزون برای استاد شجریان، آرزوی من و هر ایرانی دغدغه مند است. زادروزش فرخنده باد....



سعید فرجپوری  
آهنگسازی آلبوم «غوغای عشقبازان» را به عهده داشته و در کنسرت های بسیاری محمدرضا شجریان را با ساز کمانچه همراهی کرده است